

کفتار پنجم

## نگاهی بتعلیم و تربیت در آمریکا

حیات آمریکا صحنه سعی و کوشش است - قانون «سعی یا مرگ» در آنجا سلطنت میکند - بیانات دکتر «بویزه» و «فرمن روز» در باره مدارس آمریکا - بیانات پروفیسور «کیلیاتریک» - لزوم قبول تعلیم و تربیت آمریکا در ایران

طعه آمریکا چنانکه جهانی نو و دیگر است  
 ملت آمریکا نیز از حیث فکر و عمل که دو  
 چرخ بزرگ حیات است بکلی از ملل دیگر  
 جدا میباشد. درین مملکت، قدرت جهد و سعی  
 بدرجه مافوق تصور رسیده است و استعدادی که در نهاد نوع بشر  
 ودیعه گذاشته شده است در اینجا بخوبی بمنصه ظهور قدم گذارده  
 است. حیات آمریکائی یک حیات پر جوش و خروش و یک صحنه  
 تلاش و کوشش است. معنی مبارزه زندگی بمعنی حقیقی در آنجا  
 جلوه گر است. فلسفه داروین که میگوید غلبه قوی بر ضعیف و  
 تسلط توانا بر ناتوان یگانه قانون تکامل است در آنجا به بهترین شکلی  
 حکمفرماست. در آنجا از کسی هیچ نمی پرسند که تو چه میدانی  
 بلکه می پرسند چه میتوانی چه در دانستن توانستن مندرج نیست ولی  
 در توانستن دانستن هم داخل است. درین کشور مرد هر قدر عالم  
 باشد اگر دانش و علم خود را تواند بموقع اجرا و عمل پیارود



یعنی نتواند تولید يك فایدهٔ عملی کند او را وقتی نمیگذارند و حتی بهمین ملاحظه عقاید مذهبی و اخلاقی و افکار فلسفی را نیز بخواید مادی و عملی مربوط ساخته‌اند و فلسفهٔ «پراگماتیسم» از اینجا زائیده شده است. قیمت و اهمیت مرد در سعی و عمل او است نه در الفاظ و شکل و قیافهٔ او. بزرگترین شخص دنیا حتی پادشاه يك مملکت اگر در آنجا بی‌پول بماند و کاری از دستش بر نیاید باید از گرسنگی بمیرد. این است که بدرستی میتوان گفت که آمریکا محك انسان است و قانون «یا سعی یا مرگ» در آنجا سلطنت میکند!

کسیکه حیات خود را با دست رنج خود نتواند تأمین کند از شرافت بلکه از انسانیت محروم شمرده می‌شود. اغلب ملیونها و میلیاردرها که امروزه نفوذشان کمتر از نفوذ پادشاهان نیست و به استحقاق تام، عنوان پادشاه نقت و یا پادشاه فولاد و غیره بآنان داده شده است در ابتدا مستخدم يك اداره و یا دربان و یا منشی يك تجارتخانه بوده‌اند و در نتیجهٔ سعی و تحمل زحمات و استقامت و فعالیت امروز رئیس ملیونها عماله و مستخدمین شده و ممالک دیگر را محتاج ثروت و مقلد ستایشگر مؤسسات خود ساخته‌اند!

در آغوش همین محیط است که رجال متفکر و عمل‌پروری مانند «امرسون»، «اداکارتون»، «آتکینسون»، «کویه‌بی»، «روزولت» (رئیس جمهور سابق)، «درسر»، «ماردن»، «تراین»، «تاون»، «ویلیام جیمس» (مؤسس فلسفهٔ پراگماتیسم)، «مولفورد» و امثال اینها يك محیط تازه و يك جهان تفکر نو خلق کرده‌اند (۱) و امروز هم آن قطعه منبع اختراعات و کشفیات، مخرج صنایع هیبت بخش، مهبط انوار افکار جدید و مجمع نهشتهای تازهٔ فکری و عملی میباشد و ازینرو اینکه علمای تئوسوفی و واقفان

(۱) رجوع شود بمقالهٔ «آیندهٔ بشر» در شمارهٔ ۵ سال چهارم ایرانشهر.

علوم غیبی میگویند که نژاد جدید و ششم بشر در قطعه آمریکا ظهور و نشئت خواهد کرد چندان بی مأخذ و بعید بنظر نمیآید زیرا همه چیزهای این قطعه بشکلی بهتر و بنحوی دیگر است و طرز تفکر و تربیت و معیشت و کار کردن و اداره نمودن و حکم راندن و بنا کردن و وسایط تولید ثروت و تقسیم اعمال و استملاک محصولات و خلاصه هر چیز آمریکا هیچ قابل مقایسه با مالک دیگر نیست!

آیا این تفاوت و امتیاز بزرگ و این تفوق و عظمت را بچه اسناد میتوان کرد؟ آیا بجز طرز تعلیم و تربیت که از بچگی افراد ملت را بدین حیات پر علویت حاضر میکند بچیز دیگر میتوان نسبت داد؟ اگر تصور شود که نفوذ آب و هوا و خصال نژادی و موروثی بی مدخلیت درین طرز حیات نیست میتوانیم بگوئیم که این نفوذهای طبیعی و اجتماعی خود نیز زائیده و تابع قوای فکری و عملی افراد است و حتی غالباً اراده شخصی افراد آمریکا خود آن عوامل را تغییر میدهد و مطیع فرمان خود میسازد. چنانکه هر يك از افراد ملل دیگر نیز که در آنجا مسکن میگزینند در اندک زمان طبیعت او نیز عوض می شود و اخلاق آمریکائی کسب میکند و گرنه اصلاً در آن محیط زیستن نمیتواند و خواهی نخواهی مقهور نفوذ و جریانهای آن محیط اکسپروشن خواهد شد!

درینحال آیا برای تزریق روح حیات و نشاط به ابدان افسرده ملت ایران چه وسیله بهتر از قبول و تعمیم طرز تربیت و تعلیم آمریکا میتوان پیدا کرد؟ و آیا جای تردید باقی میماند در اینکه یگانه چاره نجات از اضمحلال که نتیجه فتور و سستی و فساد اخلاق است عبارت از داخل کردن این اکسیر حیات و فعالیت بدن اجتماعی ملت ایران میباشد؟

برای شرح دادن چگونگی طرز تعلیم و تربیت در آمریکا

کتابهای مفصل نوشته‌اند و این کتاب کنجایش تفصیل را ندارد و بدبختانه چون من هنوز زیارت آمریکا موفق نشده‌ام ناچارم که درین موضوع بنقل مشهودات و نظریات مدققین اروپائی اکتفا کنم و برای داشتن يك فكر اجمالی از طرز تشکیلات و تدریسات مدارس ابتدائی و متوسطه و عالیة آمریکا از چند کتاب اقتباس نمایم چنانکه اولاً بوجه اختصار چند سطر از يك کتاب بسیار مهم که درین موضوع نوشته شده است ترجمه خواهم کرد.

نویسنده این کتاب مسیو دکتر «بویز» رئیس «دارالفنون کار» (۱) در شهر «شارلروا» از بلاد بلژیک میباشد و عنوان کتاب این است: «متودهای آمریکائی برای تربیت عمومی و فنی» (۲). این کتاب دارای دو جلد و بیش از ۷۰۰ قطعه تصویر میباشد که در نتیجه يك سیاحت مخصوص در آمریکا و پس از تدقیقات عمیقانه و زیارت چندین شهر و صدها مدارس و تأسیسات علمی تألیف و از طرف آکادمی شاهی بلژیک قبول و مورد تحسین و مکافات واقع شده و نظر تقدیر و ستایش بسیاری از علما و دانشمندان اروپا را جلب کرده است. فیلسوف فرانسوی دکتر «گستاو لوبون» برای طبع سیم این کتاب مقدمه ستایشگری نوشته و در کتاب خود موسوم به «روحیات فن تربیت» فصل راجع بطرز تعلیم و تربیت آمریکا را ازین کتاب اقتباس کرده است.

دو سال پیش این کتاب بامر وزارت معارف ترکیه از طرف دکتر عبدالله جودت بك نگارنده مجله «اجتهاد» ترکی ترجمه و بخرج وزارت معارف چاپ شده است.

(۱) Université de travail.

(۲) Methodes Americaines d' Education générale et technique.

## ۱ — تعلیم عمومی و مدارس ابتدائی

دکتر «بویز» در جلد اول کتاب خود می نویسد:

«قانون تعلیم اجباری و منع بچه‌های کوچک از کار کردن در فابریکها قبل از سن چهارده سالگی در آمریکا در طرزهای مختلف و ضع و اجرا شده است و بموجب این قوانین که در بعضی از ممالک آمریکا با هم جزئی اختلاف دارد بچه‌ها از سال هفتم تا چهاردهم مجبور ب مداومت در مدارس ابتدائی هستند و در صورتیکه عذرهای موجه داشته باشند باید هیئت مدیره و معلمین مسئله را تدقیق و تصدیق کنند تا این اجبار رفع شود و یا اینکه بچه بیک مدرسه خصوصی که حکومت رسماً تصدیق کرده و پروگرام آن هم موافق پروگرام دولتی است مداومت کند. اگر بیک بچه بهیچ مدرسه مداومت نمیکنند و عذر مشروع هم ندارد اولیای او باید بهر پنج روز غیبت بیست دلار جریمه بدهند و هر کس هم بدون عذر، مانع از حضور بچه در مدرسه باشد و یا در ساعات درس او را مجبور بکارهای دیگر کند محکوم به تأدیبه جریمه خواهد شد که حد اعظم آن پنجاه دلار است.

«یک مأمور مخصوص بنام «مأمور تنبلان» (۱) از طرف حکومت معین شده است که بچه‌ها را میگردد و هر جا بچه کوچکی دید که بمدرسه نرفته او را میگیرد و علت نرفتن او را بمدرسه تحقیق میکند و همچنین از مدارس صورت شاگردان غایب را میگیرد و رفته در خانه‌ها تقیثش و در صورت نداشتن عذر مشروع اولیای آنها را اخطار و توبیخ میکند و هر کس مخالفت نماید برضد او شکایت کرده محکومش می‌سازد. ازین مأمورین تنبلان

در هر ناحیه و در قصبه‌هایی که ده هزار نفوس دارند اقلاً یک نفر پیدا میشود اینها اجازه دارند که علاوه بر مدارس بهر یک از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها و فابریکها داخل شده تفتیش کنند تا بچه‌های کمتر از چهارده سال استخدام نشده باشد و اگر هم یک بچه بیش از چهارده سال داشته ولی خواندن و نوشتن را بلد نباشد هیچکس حق استخدام او را ندارد مگر اینکه یک مدرسه شبانه و یا روزانه مداومت کند و هر هفته تصدیق‌نامه مدیر مدرسه را بارباب خود نشان بدهد.

«بچه‌هایی را که بدون عذر موجه و با اختیار خود بمدرسه نمیروند» «تبل» حساب کرده میگیرند و بموجب راپورت مأمور مخصوص آنها را به «مدرسه تبلان» (۱) میفرستند و تا دو سال یا کم در آن مدرسه باید تحصیل کنند و اگر تبلان دختر هستند آنها را به «مدرسه صنایع دولتی» که مخصوص تعلیم آن قبیل دخترهاست می‌سپارند.

«بچه‌هایی را که در کلاسها بیش از اندازه نافرمانی و حرکات بد و شلوغی میکنند و معلمین و مدیر مدرسه این حرکات آنها را تصدیق مینمایند نیز از مدرسه معمولی بیرون آورده بمدرسه تبلان میفرستند. این مدارس تبلان از حیث پرورگام و ساختمان و غیره فرقی با مدارس معمولی ندارد جز اینکه درینها یک نظارت و انضباط سخت ولی پدرانه اجرا می‌شود و در اکثر حالات دو سه هفته مداومت درین مدارس بچه‌های تبل را که بجای مدرسه بی بازی میرفته‌اند متنبه و شفا یاب می‌سازد.

«برای بچه‌های علیل و لنگ و یا ساقط‌العضو مدارس مخصوصی هست و حتی بلدیة شیکاگو برای اینگونه اطفال معلولی که امید

می‌رود بوسیلهٔ عملیات جراحی و تداوی و تغذیهٔ مخصوص مرض آنها رفع شود يك مدرسهٔ مخصوص تأسیس کرده است. درین مدارس بیشتر کارهای دستی و عملی تدریس می‌شود و ورزشها هم در تحت نظر اطبا و موافق مزاج و احتیاج هر بچه بعمل می‌آید و اثاثیه و آلات و ادوات مدرسه را مناسب با شرایط مقتضیهٔ مرضی بچه‌ها ساخته‌اند. مأمورین مجرب و مهربان بلدیة هر روز صبح با ارباب‌های مخصوص بلدیة این بچه‌ها را از خانه‌ها با کمال مواظبت و محبت جمع کرده بمدرسه می‌آورند و بعد از ظهر هم باز بهمان ترتیب آمده آنها را بر میدارند و بخانه‌هایشان می‌برند.»

چیزیکه حیات دبستانی آمریکا را در نظرها جلوه گر می‌سازد همان فعالیت و عملیت است که در زندگانی اجتماعی آمریکا دیده می‌شود و اساساً این کوشش خستگی ناشناس را از بچگی در در آغوش این مدارس می‌آموزند. در کتاب موسوم به «تعلیم و تربیت در ممالک متحدهٔ آمریکا» (۱) که پروفیسور «کاندل» معلم شعبهٔ بین‌المللی دارالمعلمین «کولومبیا» برای من فرستاده است و خود را مدیر امتحان میدانم و بعضی احصائیه‌ها را که درین کتاب مندرج است از آنجا بر داشته‌ام چنین نوشته شده است:

«مدارس ابتدائی در سال ۱۹۲۴ معدود بیست میلیون و هشت صد و نود و هشت هزار شاگرد و ششصد و هفده هزار معلم داشته است و مبلغ يك مليار و دو بیست و سی و يك میلیون دلار برای این مدارس خرج شده و قیمت اثاثیه و املاك این مدارس قریب بچهار مليار دلار بوده است.

«در مدارس ابتدائی آمریکا بدرسهای عملی و آزادی اقرادی بچه‌ها اهمیت کافی میدهند. درین مدارس عموماً طریقهٔ تعلیم

معروف به «دالتون» و «طریقہ» و «وینت کا» معمول است. مفتشین مدارس ابتدائی که خود باید فن معلمی را دارا باشند هر چند ماهی این مدارس را زیارت کرده در اطاقهای درس حاضر می شوند و طرز تدریس را معاینه و تدقیق میکنند و با معلمان مذاکره و تبادل فکر مینمایند و گاهی همه معلمان را جمع کرده با هم در باره تجربات و نظریاتی که حاصل کرده اند مذاکره و مشاوره میکنند. غالباً برای هر یک از رشته های مخصوص علوم مانند موسیقی و ترسیم و ورزش یک مفتش متخصص در آن فن میفرستند.

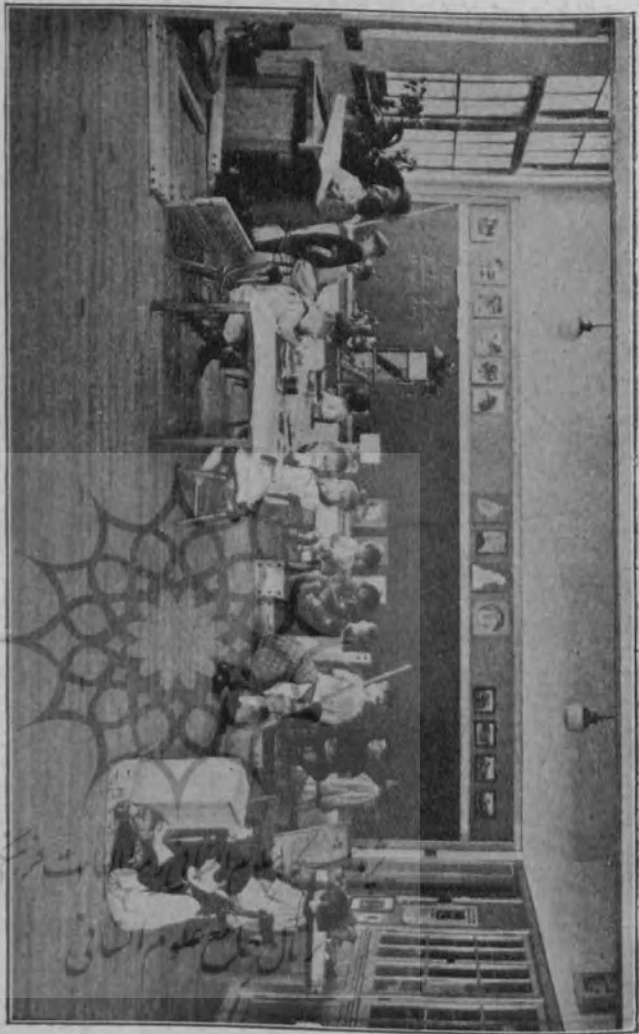
«این مدارس همیشه با خانواده های اطفال در تماس و مراوده هستند و اغلب اوقات مجلسهایی ترتیب داده اولیای اطفال را دعوت و با هم مذاکره میکنند. معلمان نتایج تدریس و کارهای دستی و ترقیات بچه ها را نشان میدهند و تکالیف آنها را در خانه یادآور می شوند. اولیای اطفال هم گاهی باره اطلاعات و عقاید مفید اظهار میدارند که برای امر تدریس مایه سهولت میباشد. بیش از یک میلیون و نیم از مادران اطفال، خود را برای کلاس مخصوصی که در آنجا استعدادها و منافع بچه ها تدقیق می شود عضو نویسانده اند و بآن کلاس مداومت مینمایند. بتجربه ثابت شده است که باین وسیله یعنی با شرکت و همدستی اولیای اطفال و هیئت تدریسیه ترقی بچه ها سریعتر و کم خرج تر می شود.»

مسیو «فرمن روز» در کتاب خود موسوم به «آمریکای جدید»

چنین مینویسد:

«پس از تدریسات عملی، احساسات ملی و وطنی نیز هدف تعلیم و تربیت آمریکائی است و حتی بچه های مهاجرین هم در مدارس آمریکا در زیر این تعلیم و تربیت، احساسات و خصلت ملی آمریکا را کسب میکنند. درین خصوص متوسل باحکام آسمانی





موقع کار کردن بچه‌ها در يك «باغبانچه کودکان» در شهر «ریورساید» آمریکا.  
Work period in a Kindergarten at Riversid, Ill.

و اقتناع بوسیله قوانین عقلی و غیره نمی‌شوند بلکه با وسایل عملی تلقین می‌نمایند چنانکه بموجب قانون، باید بیرق ملی آمریکا در بالای در مدارس آویزان باشد و در داخل کلاسها نیز در جای

نظر ربائی بتموج آید و شاگردان هر روز آنرا سلام دهند و نعمات ملی در مقابل آن بخوانند. و نیز بدست بچه‌های خوردسال بیرقهای کوچکی میدهند و پاره حرکات می‌آموزند که يك حال ظفر و جنگجوئی را با آن وسیله مشق میکنند و ظاهر می‌سازند و بعد آن بیرقها را بروی دل خود میگذارند و میفشارند تا با این اعمال خارجی، احساسات درونی آنها نسبت بملت و وطن بحرکت آید و پرورش یابد.»

## ۲ — مدارس متوسطه و فنون متنوعه

میتوان گفت که مدارس متوسطه و مدارس فنون متنوعه در آمریکا مدارج ترقی و انکشاف فعالیت روحی آمریکا هستند چونکه شاگردان درین مدارس بحدیت داخل دوره عمل و فعالیت می‌شوند. مسیو «فرمن روز» مینویسد:

«برای آمریکائی، علم و دانستن مقصد غائی نیست بلکه وسیله ایست برای موفقیت و راهی است بطرف زندگانی و از اینجاست که علاوه برمدارس ابتدائی و رسمی و دارالفنونها بسی مدارس فنی و حرفتی هست که جوانان کار آموزده تربیت میکنند و برای هر کار و هر صنعت و هر حرفتی مدرسه هست زیرا که آمریکائی معتقد است که هر چیز را میتوان یاد گرفت و چیز محال در دنیا نیست.»

مسیو «ژول هورده» مینویسد که تنها در شهر «بوستون» بیش از سیصد مدرسه هست که در آنجا از آشپزی گرفته تا محرری جراید موسیقی هر صنعت و حرفتی را که بخواهید یاد میدهند. «اغلب این مدرسه‌ها اداره هم دارند که برای شاگردان فارغ التحصیل خود کار پیدا میکند و اعلان می‌شاید که در فلان

تاریخ فلان قدر جوانان فارغ التحصیل از فلان رشته بیرون می‌آیند و هر کس محتاج استخدام آنهاست رجوع بمدرسه کند... و این خاصیت استفاده سریع و فوری از تحصیلات است که بتعلیم و تربیت آمریکا یک شکل و رنگ مخصوصی میدهد بطوریکه بدست



تدریس آشپزی و سفره چینی در یک مدرسه ابتدائی در شهر «لانگ بیچ» در آمریکا.  
Teaching Home-making in an elementary School. Long Beach, California.

جوان محصل فقط اسباب و اسلحه لازم در مبارزه زندگی فعلی را میدهد و بیرون میفرستد.»

برای پی بردن بروح تعلیم و تربیت آمریکا و تشکیلات مدارس عمومی و متوسطه آن باز از مقدمه کتاب دکتر «بویز» سطرهای

ذیل را ترجمه میکنم:

«بچه‌های آمریکائی از زمان طفولیت طور دیگر تربیت میشوند. ما بچه‌های خود را مطیع و تابع دیسپلین بار می‌آوریم ولی آمریکائیان بیش از انگلیسها و پیش از هر چیز بچه‌ها را مستقل و متشبت و کار آمد و صاحب اعتماد بر نفس پرورش میدهند و بدین جهت بحرکات غیر عادی و تا یکدرجه مستبدانه آنها با کمال خوشنودی تحمل میکنند. حالت کمروئی و احتیاط و خجالت اطفال ما در موقع گردش و در سفره و در مهمانی و پذیرائی در اطفال آمریکائی دیده نمی‌شود، حرفهای آنها رک و راست و اطوار آنها آزادانه است.

«در مدارس دیده می‌شود که شاگرد معلم را اداره میکند یعنی شاگردان آمریکائی آن وضع و حرکت اسیرانه و متواضعانه را که شاگردان ما دارند نسبت بمعلمین نشان نمیدهند چه از حالا آنها خود دارای شخصیت و اراده و اختیار هستند.

«در آمریکا بچه‌ها را طوری تربیت میکنند که حکایت ذیل خبر از حال آنها میدهد. یکی از ارباب صنایع موسوم به «پاترسون» نقل میکند و میگوید که در ایام بچگی روزی هوس زیاد به سرسره رفتن روی یخ بزم افتاد و پیش پدر آمده خواستش کردم که یک جفت کفش مخصوص سرسره بخرم. در جواب گفت: برو آنجا جنگل و اینجا هم یک تبر، بردار و یک درخت بزرگ را بشکن و هیتم کن و برده در بازار بفروش و برای خودت کفش بخر!»

«این مثال، نمونه تربیت آمریکائی است که در هر يك از درجات تربیت خواه خانگی و خواه دبستانی همیشه جای استعمال پیدا میکند و حتی در مدارس ابتدائی نیز تعلیم و تدریس مبنی بر

اساس جهد و تشبث شخصی است و بچه‌ها معلومات را از روی اعمال و کارهای خود یاد میگیرند و حتی درس جغرافی در شکل يك کار دستی تظاهر میکند و ادبیات يك کار «لابوراتوار» می‌شود زیرا این ادبیات با درس نقاشی و میکروسازی توأم می‌باشد و خلاصه هر تعلیم و هر تدریس با يك کوشش بدنی و جهد عضلانی و سعی فکری همراه است.

«همینکه بچه دور طفولیت را بآخر رسانید و از حالت تابعیت و اطاعت صرف بیرون آمده قدم بسن رشد و بلوغ نهاد و داخل دایره تدریسات متوسطه شد باز همان قانون و تربیت اجرای حکم میکند و او را برای آموختن محاکمه شخصی و استقلال نفسی حاضر میسازد و طریق فعل و اجرا و تشبث و اقدام درین دوره بشدت خودمیافزاید.

«درین دوره مشکلات و موانع که باید حل و فصل شود سخت‌تر و پیچ‌اندر پیچ است و مقصدیکه باید حاصل شود نیز دورتر و موانع آن بلندتر تا اینکه شاگرد جوان بیش از سابق قوای خود را بکار بیندازد و پرورش دهد، و برای اینکه حسن مسئولیت و تشبث شخصی شاگرد خواه پسر و خواه دختر بیدار و کارگر شود قسمتی از وظایف معلم را بعهده ایشان وا میگذارد و بدین وسیله قوه مفکره و حسیات آنان را تقویت میکنند.

«وظیفه مدرسه عبارت ازین است که بچه‌ها را طوری حاضر کند که گوئی در دنیا تنها و صاحب سر نوشت خود بوده با کمال آزادی حرکت و کسب معیشت خواهند کرد. برای این کار، شاگرد باید از کوشش خود حظی و در مقابل مشکلات و برانداختن آنها با قوه مقاومت، يك شوق و نشاطی حسن کند و ضبط نفس و حاکمیت بر نفس خود را بزرگترین مقام و عالیترین مقصد

بشمارد!

«عقاید و افکاریکه فقط با حرفها تلقین و تبلیغ شده و مقرون به فعل و اجرای شاگردان نشود اثرات نافی تولید نمی کند و از آنرو بدین مدارس دیده نمیشود. شاگرد حقایق را باید بنفسه کشف کند و معلمین اعتقاد دارند که اگر شاگردان در حل مسائل علمی ممارسه عملی نداشته باشند آن تدریس علمی بی ثمر خواهد ماند. «تدریسات نظری و عملی هر دو در زیر قنوذ کارها و

امتحانات مکرره که در لابوراتوارها بعمل میآید واقع میاشد. درس های کلاسی فقط برای تأیید و ایضاح اعمال و مساعی لابوراتوارها و آتلیه ها تدریس می شود. مشاهدات و تجربیات شخصی شاگردان و یادداشتهایکه خودشان در نتیجه ترکیبات و تحلیلات لابوراتوارها و مساعی آتلیه برداشته اند برای تقدیر مساعی و زحمات آنها نمونه و محک امتحان شمرده می شود. شاگرد مجبور است که اسباب حادثات و قوانین حاکمه آنها را خود از جهازات تجربه و لوازم امتحان بدر آورد و بدینقرار خود بشخصه بحقیقت و اسرار پی برد. اینگونه تدقیقها و کارها و تجربه ها و نتیجه گرفتنها، قوای دقت، صبر، استقامت و تنظیم و اداره را در آنها قوت میدهد و فیضیاب می سازد.

«در مدارس صنعتی و حرفتی، مضعف شدن جهد و سعی مداومت میکند و پایه تحصیلات این مدارس بر روی تجربه ها و کارهای دستی شاگردان گذاشته شده است. معلم بدون اینکه قوای شاگردان را زیر طوق اسارت بگیرد، شخصیت آنها را هدایت و رهنمائی میکند و به نشو و نمای آزادانه تمایلات خصوصی و تجلی ذکاوت و استعدادهای شخصی شاگردان خدمت و سعی میکند.

«در مدارسیکه مخصوص به تعلیم و تربیت افراد ملل نیم متمدن

است مانند زندگی‌ها و اهالی بومی آمریکا (سرخ پوستان) و مستملکات، یک قاعدهٔ عمومی را از روی تجربه اساس اتخاذ نموده‌اند و آن این است: یاد گرفتن بوسیلهٔ کار و عمل (۱).

«در مدارس فنی که جوانان را برای دخول بمدارس مهندسی حاضر میکند و نیز در «مدارس کار» (۲) که تاجران و ارباب صنایع و حرفت از آنجا بیرون می‌آیند و همچنین در لابوراتوارها و آتلیه‌ها و اداره‌های تجارتي مخصوص بمدارس، اساس درسها و منابع یگانهٔ معلومات عبارت از کارهای دستی و مساعی شخصی میباشد.

«بزرگترین آمال و عالیترین مقاصدیکه در مدارس ابتدائی و متوسطه تعقیب و منظور میشود عبارت است: ۱ — از کاشتن تخم عزم و اراده در دماغهای بچه‌ها و جوانان، ۲ — از بچگی ذوق تشبث و اجرا و سعی و ثبات را در آنها پدیدار و تیز کردن، ۳ — تسریع نمودن گذشتن آنها از حال مطاوعت و تابعیت بحال استقلال و شخصیت، ۴ — حاضر کردن بچگان باینکه همیشه خود را اداره کرده در ره‌آیندن خود از مشکلات و سختی‌ها و حادثات تنها بر نفس خود تکیه نموده بهیچ کس منتظر و محتاج نشوند.

«در نتیجهٔ این ترتیبات و اصول و عادات است که بقول معروف «هر آمریکائی که پوستش را بکشد از زیرش مرد کارگر بیرون می‌آید.» آمریکائی هیچوقت قبول ندارد که یک دیپلوم یک شخص اصالت فکری میتواند بدهد. در آمریکا خواه از ساکنین و خواه در میان یگانگان که در آنجا نوطن کرده‌اند آدم بیکار و تنبل پیدا نمی‌شود. (در ایران قدیم آدمان بیکار را از شهر

(۱) Learning by doing.

(۲) Business College.

بیرون می‌کردند چونکه میگفتند مرد بیکار یا باید دزدی کند و یا دروغ بگوید و این هر دو بدترین جنایتهاست!..»  
 «درکنگه ۱۸۶۷ اداره با اسم «اداره تعلیم» تأسیس شده که قوه اجرائیه ندارد و خود جزو وزارت داخله است و فقط:



معاينه بچه‌ها براي نظافت در يك مدرسه ابتدائي آمريكي.

A morning examination for cleanliness in an American School

بترتيب دادن استاتستيك‌هاي تدریسات و به نشر و تعميم قواعد و اصول تدریس و به تهیه معلمین ماهر خدمت میکند. خواه این اداره و خواه سایر تشکیلات ملی و رسمی و خصوصی همه با يك حریت روحی حرکت میکنند و بهیچوجه بهمقید کردن آزادی تدریسات



و تشبثات محلی و توسع فعالیت‌های شخصی نمیکوشند و برای تسهیل وظایف معلمین تمام لوازم و اسباب و ادواتی را که لازم دارند از هر گوشهٔ دنیا بهر وسیله باشد تهیه و حاضر میکنند.

«خلاصه، اصول تعلیم و تربیت و تدریس آنقدر آزاد و متنوع است که حتی در داخل یک حکومت و یک شهر دو مدرسه که هر دو عین یک اصول را تعقیب کند پیدا نمیتوان کرد.»

برای تأیید مشهودات دکتر «بویز»، چند سطر از خلاصهٔ نطقِ مستر «کیلپاتریک» پروفیسور فن تعلیم و تربیت در دارالفنون «کولومبیا» که در مجمع جوانان ایراد کرده و ترجمهٔ آن بقلم سید حسین خان حجازی در شمارهٔ اول سال سیم مجلهٔ تعلیم و تربیت منطبعة طهران چاپ شده است اقتباس میکنم:

«در تعلیم و تربیت امروز تمام همت صرف آن می‌شود که تمام وجود یک طفل بکار واداشته شود نه فقط دهان او! ما نه فقط از بچه‌ها، محصلین و شاگردان میخواهیم که کاری انجام دهد بلکه منتظریم به بینیم آیا این اشخاص آنچه را که می‌آموزند در زندگانی و در حیات اجتماعی خود بکار می‌برند یا نه؟ قصد ما آن است که اطفال آنچه را بیاموزند فوراً در رفتار و در زندگانی خود دخالت داده و از پیراه زندگانی خود را کامل و مضبوط سازند. طفل چیز نمی‌آموزد مگر اینکه آنچه تحصیل میکند بکار اندازد. مدرسهٔ جدید بشاگردان اصول آزادی و سیادت ارادهٔ شخصی را باین طریق می‌آموزد که چگونه از حیات و دورهٔ مدرسوی، اخلاق و سجایای خود را برای آیهٔ خود تشکیل بدهند.»

۳ — مدارس عالی و دارالفنونها

اگر در باره مدارس عالی و دارالفنونها که حکومت آمریکا در سال ۱۹۲۴ سیصد و چهل و یک ملیار دولار برای آنها خرج کرده است و اینها دارای پنجاه و شش هزار معلم بوده‌اند بخواهم شرح کافی بدهم باید یک کتاب جداگانه بنویسم. ولی ترجمه چند سطر را از کتاب مسیو «فرمن روز» که بعنوان «آمریکای جدید» نوشته بی فایده نمی‌بینم. مومی‌ایه میگوید:

«با وجود تدریسات عملی که اینهمه اهمیت بآن میدهند، مقام علوم و فنون و فلسفه و ادبیات و اخلاق را هم بسیار عالی نگاه میدارند. بخشش‌های میلیاردرها برای ترغیب و تشویق علوم ادبی و اخلاقی و تعدد دارالفنونها و تحصیلات عالی آزاد نمونه‌های خوبی برای این حس تقدیر میباشد. در نزد آمریکائیان کلامی هست که عقاید محبوب و قلبی آنها را ایما میکند و آن عبارت از «جنبه اخلاقی» است که در هر یک از اقدام و کار مهمی آن را در مد نظر میگیرند و هدف خود می‌سازند و اگر یک امر اقتصادی که مخارج گزافی را مستلزم شده باشد نتیجه مادی و عملی ندهد ولی ثمر اخلاقی بخشد بهمین یکی شاد می‌شوند و میگویند جنبه اخلاقی که داشته باشد بس است.»

«پیش از همه چیزیکه نظر دقت سیاحت‌کننده را در دار الفنونهای آمریکا جلب میکند کثرت آلات و ادوات است که این دارالفنونها دارا میباشند. در دارالفنونهای اروپا هیئت تعلیمیه در صف اول است و اثاثیه و آلات و ادوات در درجه دوم میآید و چندان محل اعتنا و دقت نیست اما در آمریکا دارالفنونها را از وسایل فنی و مادی و جهازات تجربه شروع میکنند و تمام

لوازم را بزرگ دست معلمان میگذارند. این دارالفنونها قصرهای عالی و بلکه شهرهای زیبائی هستند که دارای قصرهای عالی میباشند. اینها در زمینهای بسیار وسیع بنا شده که دارای کلیسای کوچک، تالار کنفرانس، کتابخانه، ورزشخانه، کلاسهای درس، عمارت نشیمنی رئیس دارالفنون و اطاقها و منزلهای مسکونی شاگردان میباشد و علاوه بر اینها، چمنها و گردشگاهها و یک باغ بزرگ و یک حوض شنا و یک دریاچه نیز دارند.

«وقتیکه میلارد آمریکائی «روکفلر» دارالفنون «پرنتون» را زیارت کرد و پرسید که چه نواقصی دارید هیئت شاگردان گفتند دارالفنون ما دریاچه ندارد و فوری آرزوی آنها اجابت شد. و همین «روکفلر» ۱۵۰ میلیون دلار بدارالفنون شیکاگو بخشید! «تالار ورزش یک نمونه زیبای ساختمان است. نه تنها همه آلات و ادوات لازمه در آنجا مهیاست بطوریکه هر گونه ورزشها را تکمیل و تسهیل کند و هر عضله را قوی و یا نرم نماید بلکه یک راهرو درازی هم دارد که مخصوص برای دویدن است.

«رئیس ورزشها غالباً یک طبیب است که ورزشها را برای تصحیح نواقص یا برای جلوگیری از امراض جسمانی استعمال میکند. در دارالفنون «ویس کونسن» یک تالار «اندازه گیری» دیدم که دارای بسیار آلات و ادوات مخصوص بود و هر یک از دختران که وارد دارالفنون می شد پایستی اول در آنجا معاینه بشود تا نسبت بقوه مزاج و تشکیلات عضوی خود ورزشهای مخصوص برای او تعیین شود. بدست هر یک از این دختران پس از معاینه یک ورقه مخصوصی میدهند که در آن انواع و مقدار و ساعات ورزشها که برای او لازم است ثبت می شود. بعضی از این دختران بجای ورزش احتیاج استراحت دارند و برای آنها هم یک سالون مخصوص

که دارای نیمکت و نشیمنهای مناسب و حتی لحافها میباشد ساخته‌اند که پنجره‌های آن غالباً باز بوده دختران در جلو هوای صاف دراز کشیده استراحت میکنند و همان قوتی را که دیگران از ورزش حاصل مینمایند اینها هم از استراحت و بی‌حرکتی



اطلاق مخصوص باطفال در يك «واشنگتون — آمریکا»  
Childrens' Room in a public Library, Washington, D. C.

اطلاق مخصوص باطفال در يك كتابخانه عمومی در «واشنگتون — آمریکا»  
Childrens' Room in a public Library, Washington, D. C.

بدست می‌آورند.

«حوضهای شنا شایان تماشا و حیرت است. آب جاری که درجه حرارت آن همیشه يك میزان است از یکطرف وارد حوض می‌شود و از طرف دیگر بیرون میریزد و يك صافی زمردین دارد. برای اینکه آب حوض کاملاً صاف و پاکیزه بماند در اطراف

حوض جوئی درست کرده‌اند که شنا کنندگان پس از برکندن رخت و پیش از داخل شدن حوض از آنجا میگذرند و از بالا يك لوله آب افشان (دوش) بدن آنها را از عرق و گرد می‌شورد و آنوقت میتوانند توی حوض بروند!

«هر دارالفنون و هر مدرسه عالی برای خود روزنامه و مجله دارد که از طرف محصلین اداره می‌شود که مقاله‌ها و تصویرها را هم خودشان حاضر و هیئت تحریریه و مالیه و اداره را نیز از میان خود انتخاب میکنند!»

با اینکه اساس تعلیم و تربیت آمریکائی بر پایه عمل گذاشته شده است چنانکه در صفحات گذشته از نظر گذرانیم باز امواج جریانهای جدید تعلیم و تربیت در آنطرف اوقیانوس نیز از رو نمائی خودداری نکرده است. درین کشور سعی و عمل نیز احتیاج تجدید نظر در طریقه تعلیم و تربیت را حس کرده و با آن قدرت سریعه که مخصوص نژاد آمریکاست عقاید و نظریات جدید را بموقع اجرا گذاشته و برخی از مدارس را بطرز نو انداخته‌اند.

چنانکه هر فکر جدید که يك فایده عملی در بردارد درین مملکت يك زمینه مساعد برای نشو و نما پیدا میکند این نهال افکار نو نیز در اندک زمان شاخ و برگ زیادی حاصل آورده و متفکرین مهمی را دور خود جمع کرده است و در سر این نهضت جدید «انجمن تربیت مترقی» (۱) جا گرفته و نهایلات و تطبیقات آن را در خود تمرکز و تجلی داده است.

این انجمن در سال ۱۹۱۹ تأسیس یافته و فقط برای نشر افکار و خدمت بطرز جدید تعلیم و تربیت بوده با مسائل سیاسی و دینی و تجارتي رابطه ندارد. علاوه بر انتشارات کوچک و ارزان

يك مجله بسیار مفید و مصور علمی نشر میدهد که سالی چهار نسخه چاپ می‌شود و تقریباً تمام مسائل و موضوعهای راجع بتعلیم و تربیت جدید در آمریکا و اروپا را حلاجی میکند اکثر تصویرهای این کتاب را که راجع بمدارس آمریکاست با اجازه مدیر محترم آن ازین مجله اقتباس کرده‌ام. معروفترین پروفیسورها و معلمین و هواخواهان طرز جدید درین انجمن عضویت دارند و بتحریر مجله کمک میکنند. من ناچار بترجمه عقاید اساسی این انجمن در باره تعلیم و تربیت مترقی اکتفا باید کنم:

۱ — آزادی برای تکامل طبیعی:

اعمال بچه باید از طرف خودش مطابق احتیاجات اجتماعی خود اداره شود نه بوسیله قواعد اجباری. باید زمینه مساعد برای تجلی کردن قوه تشبث و تمایلات شخصی او تهیه شود. باید محیط بچه بقدر کافی دارای اشیاء جاذب و دلکش بوده و برای استعمال آزادانه در دسترس او باشد.

۲ — ذوق محرك هر عمل باید باشد:

ذوق بچه باید بوسایل ذیل تغذیه و تقویت شود: ۱ — تماس مستقیم و غیر مستقیم با عالم خارجی و فعالیت‌های آن و بکار بردن تجربه‌هاییکه باین طریق اخذ می‌شود. ۲ — تطبیق کردن معلومات مکتسبه و مربوط کردن موضوعهای مختلف با همدیگر. ۳ — ادراك بچه بجا آوردن تکالیف و موفق شدن خود را.

۳ — معلم يك رهنماست نه يك استاد مجبر:

معلمان باید بمقاصد و اساسهای تربیت مترقی اعتقاد کنند و برای پروردن قوه تشبث و ابتکار وسعت ذهن داشته باشند. معلمان مترقی استعمال تمام حواس را تشویق و بچه را بتدقیق و محاکمه معناد خواهند کرد و بجای گوش دادن بقرائت بچه‌ها

اکثر اوقات خود را صرف خواهند کرد که بیچه چگونگی استفاده از منابع مختلف معلومات را که از زندگانی و از کتابها اخذ کرده‌اند یاد بدهند. شرایط مطلوب مقتضی است که کلاسها کوچک باشد مخصوصاً



ورزش دختران در يك مدرسه عالی اناك در آمریکا.  
A College Gymnasium class, America.

در مدارس ابتدائی.

ع — تکامل بیچه فناً باید تدقیق شود:

وسایل اجرائیهٔ مدرسه منحصر بدادن نمرهٔ که ترقی بیچه‌ها را در یاد گرفتن درسها نشان میدهد نباید باشد بلکه این نمره باید در

همانحال شامل ملاحظاتی باشد که خصایص بدنی و فکری و اخلاقی و اجتماعی بچه‌ها را هم نشان میدهد زیرا این خصایص است که زندگانی دبستانی و جوانی آنها را اداره میکند و مدرسه و فامیل میتواند آنها را در زیر نفوذ خود بیاورد. از روی این نوع نمره‌های جامع میتوان رفتاری را که در بارهٔ هر یک از بچه‌ها باید بعمل آورد معین نمود و همچنین این نمره‌ها باید نظر دقت معلم را بیش از آموختن موضوعات علوم بسوی تدقیق کیفیت تکامل و نشو و نما بچه که از هر چیز مهمتر است معطوف سازد.

۵ — دقت کامل بهر چیزیکه تکامل جسمانی بچه را متأثر می‌سازد:

یکی از نخستین مراقبتهای تربیت مترقی عبارت از مراقبت صحت بچه‌هاست. برای این اولاً اطاقهای بسیار وسیع و پاک و هوادار و روشن و ثانیاً سهولت کامل در رفتن بیرون از اطاق و استفاده کردن از هوا و باغ و غیره لازم است. باید زمینهای مخصوص بازی را هر چه بیشتر بکار برد و معلمها باید شرایط جسمانی هر بچه را جداگانه تدقیق کنند و آنها را تطبیق با زندگانی فامیلی کرده صحت کامل بچه‌ها را نخستین مقصد عالم طفولیت سازند. *علوم انسانی و مطالعات تربیتی*

۶ — همدستی مدرسه و خانه برای رفع احتیاجات زندگانی بچگی:

مدرسه باید با همدستی خانه بقدر امکان تمام وسایلی را که احتیاجات طبیعی و فعالیتهای بچه لازم دارد فراهم سازد و بخصوص در سالهای مدارس ابتدائی. این شرط وقتی حاصل می‌شود که یک تعاون عاقلانه میان معلمین و اولیای بچه بعمل بیاید.

۷ — مدرسه مترقی، رهنمای نهضتهای تربیتی است:



مدرسه مترقی بمنزله يك دارالنجزيه بايد باشد که در آنجا فکرهاى جديد، در صورت استحقاق، تشويق کرده شود و در آنجا عادات ثابت و قديم بتنهائى نافذ نشود بلکه بهترين آنها را جدا کرده با کشفیات جديد امروزی مزج بايد داد و نتایج آنها را با کمال آزادی بمجموع معلومات فن تربیت افزود.

ديگر هيچ حاجت بتکرار و تاکيد نيست که يگانه وسيله دمیدن روح زندگى و نشاط و فعاليت بکالبد افراد ايرانى منحصر به تعقيب اصول تعليم و تربيت آمريکائى ميباشد با تمام وسايل و شرايط آن بترتيبى که در ضمن اين کتاب مشهود خواهد شد.

تا کليه اساسها و شرايط زندگى امروزی ايران از روى يك اساس صحيح و متين عوض و تازه نشود از کوششها و زحمات و فداکاريهاى دولت و ملت فايده توان برد و اين تجدد بايد از سرچشمه معارف يعنى از تعليم و تربيت شروع شود چونکه تا بچه ها از خوردى تابع يك طرز مخصوص تعليم و تربيت نشوند و در مك محيط تازه و پاك نشو و نما نيابند ناچار متخلق با اخلاق و صفات پدران امروزی خود گشته و جاى آنها را خواهند گرفت و نخواهند توانست قدمى از حال اسفناك كنونى بيرون گذارند و درينصورت هيچ يك از اصلاحات سياسى و اجتماعى و اقتصادى هم نتيجه مطلوب نخواهد داد. ولى اگر از حالا قواعد و شرايط تعليم و تربيت آمريكا را در كليه مدارس و تشكيلات معارف مجرى سازيم در ظرف ده سال نه تنها چند هزار جوان مقتدر و پاك و آزاد و با عزم را دارا خواهيم شد بلکه صفحه زندگى ايرانى از ريشه تغيير خواهد يافت و شكل نو و زيبا خواهد گرفت.

